

## فرصت‌ها و چالش‌های بخش زراعت در افغانستان

حسین فیاض\*

چکیده

زراعت نقش مهم و اساسی در افزایش درآمدهای مردم دارد؛ زیرا ۸۰ تا ۸۵ درصد مردم افغانستان در این بخش فعالیت دارند. اگر در بخش زراعت سرمایه‌گذاری اساسی صورت گیرد و زراعت افغانستان از حالت سنتی خارج و به‌صورت مدرن درآمد، یقیناً آثار و پیامدهای فراوان دارد. زراعت افغانستان هم دارای فرصت‌های مناسب و هم چالش‌های جدی است. وجود آب و خاک زراعی فراوان، دهقانان باتجربه و سخت‌کوش، تنوع شدید اقلیمی و بازارهای بزرگ مصرفی در همسایگی افغانستان، جزو فرصت‌های طلایی و مناسب برای رشد، توسعه و افزایش رفاه مردم به حساب می‌آید. از طرف دیگر، در کنار این فرصت‌های مناسب، چالش‌های جدی نیز زراعت افغانستان را تهدید می‌کند که باید در راستای رفع آن چالش‌ها کوشیده شود.

واژگان کلیدی: فرصت‌ها، چالش‌ها، زراعت، اشتغال، درآمد، بیکاری، تنوع

اقلیمی.

\* ماستر مالیة و بانک‌داری اسلامی.

زراعت و کشاورزی در افغانستان با وجود منابع و امکانات طبیعی و انسانی، به شیوه سنتی صورت می‌گیرد و به سبب بهره‌وری نازل، این بخش نتوانسته نیازهای غذایی داخل را تأمین کند. با وجود پروگرام‌ها و پروژه‌های حمایتی برای توسعه زراعت از سوی دولت، هنوز مشکلات بخش زراعت در افغانستان زیاد است. فرصت‌های طلایی که می‌تواند اثرات قابل توجهی را در انکشاف و توسعه افغانستان داشته باشد نیز وجود دارد. نظام زراعت در افغانستان معیشتی بوده و گندم و غله‌جات اصلی‌ترین تولیدات این بخش را تشکیل می‌دهند. تولیدات باغی، دامی و زراعتی از صادرات عمده زراعتی در افغانستان است و در گذشته افغانستان یکی از صادرکنندگان مهم تولیدات دامی و میوه‌های خشک بوده؛ اما سه دهه جنگ، زیرساخت‌ها را در این کشور نابود و توسعه زراعت را محدود کرده است.

## ۱. وضعیت اقتصادی افغانستان

یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی، تولید ناخالص داخلی هر کشور است که بیانگر قدرت اقتصادی هر جامعه‌ای است. افزایش در تولید ناخالص ملی نشان‌دهنده بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش سطح رفاه مردم است. از سال ۱۳۸۱ اقتصاد و تولید ناخالص ملی مسیر رشد قابل توجهی را پیموده است. این رشد در اوایل دوره، به‌ویژه در سال ۱۳۸۱، به بالاترین سطح یعنی ۲۸٫۶٪ نیز رسیده بود و عامل اصلی این رشد، به‌میان‌آمدن رونق اقتصادی و نیز سرازیر شدن کمک‌های خارجی ذکر شده است. در سال‌های اخیر این رشد وجود داشته اما بسیار آهسته و در نوسان بوده است که در جدول زیر وضعیت GDP افغانستان ذکر شده است.

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی از سال ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴ (به درصد)

سال	درصد
۲۰۰۳	۲۸٫۶
۲۰۰۴	۱۵٫۷
۲۰۰۵	۷
۲۰۰۶	۱۴
۲۰۰۷	۱۱٫۲
۲۰۰۸	۱۴٫۲
۲۰۰۹	۲٫۲
۲۰۱۰	۱۷٫۲
۲۰۱۱	۴٫۲
۲۰۱۲	۹٫۵
۲۰۱۳	۱٫۹
۲۰۱۴	۶٫۴

منبع: بانک جهانی، گزارش ۲۰۱۴.

درصد رشد GDP به شمول کوکنار به تفکیک سکتورها: از ۱۳۹۱-۱۳۹۴

بخش	سال			
	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱
زراعت	-۱۶,۹	۳,۷	۸,۳	۳,۲
صنعت	۴,۵	۳,۷	۸,۱	۷,۸
خدمات	۱,۳	۲,۳	۶,۳	۱۶

منبع: سالنامه احصایوی افغانستان در آیینۀ ارقام، اداره مرکزی احصائیۀ افغانستان، ۱۳۹۰-۱۳۹۴.

چنان‌که ملاحظه می‌گردد، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، بعد از ۱۳۸۱ (۲۰۰۳)، روند افزایشی را پیموده و تا سال ۱۳۹۲ این روند ادامه داشته است؛ اما بعد از سال ۱۳۹۲ به دلیل تقلیل کمک‌های جامعه بین‌المللی و نیز کاهش حضور نیروهای نظامی خارجی، تولید ناخالص داخلی نه تنها که رشد نکرده؛ بلکه این رشد روند نزولی را به خود گرفته است. بر اساس آمار بانک جهانی، رشد تولید ناخالص داخلی کشور از سال ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴ در حالت نوسان بوده است. بر اساس سهم سکتورها در رشد تولید ناخالص داخلی باید گفت که سهم بخش‌های کشاورزی و صنعت در این رشد تا سال ۲۰۱۴/۱۳۹۲ م افزایش داشته و بعد از این سال در حال کاهش بوده که رشد تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۹۴ به منفی ۱۶٪ رسیده است.

## بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

### ۱-۱. وضعیت زراعت

زراعت تنها بخش مهم در اقتصاد کشور است که توان و ظرفیت بالایی را با توجه به پتانسیل‌های طبیعی موجود و شرایط حال، برای رشد و توسعه اقتصادی کشور می‌تواند داشته باشد. زراعت در افغانستان نقش مهمی در افزایش سطح درآمد مردم و اقتصاد کشور دارد. آمارها نشان می‌دهد که بخش زراعت در طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴ هـ ش، رشد نداشته بلکه سیر نزولی داشته است. دلایل کاهش سهم بخش زراعت در تولید ناخالص ملی کشور، عموماً تحت تأثیر عواملی چون کمبود سرمایه‌گذاری، خشک‌سالی، مهاجرت روستاییان به شهرها و آفات و امراض نباتی و حیوانی ذکر شده است.

بر اساس گزارش بانک توسعه آسیایی در سال ۲۰۰۳ زیر عنوان «بازسازی سکتور (بخش) زراعت افغانستان»، میزان جمعیت این کشور که در بخش زراعت اشتغال دارند، ۸۰ الی ۸۵٪

از جمعیت این کشور اعلام شده است؛ اما بر اساس آمار ارزیابی خطرات ملی، در حدود ۷۵٪ از جمعیت کشور دهقان‌اند. بر اساس آمار اداره احصائیه مرکزی در سال ۱۳۸۷ سهم بخش زراعت در اشتغال ۷۸٪، خدمات ۱۶٪ و صنعت ۶٪ بوده است؛ اما بر اساس آمار این اداره در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ سهم زراعت در اشتغال، به ۶۷٪ کاهش یافته است. گزارش ده‌ساله (که از سال ۱۳۸۱-۱۳۹۰) بانک جهانی تعداد افراد مستعد به کار را در افغانستان حدود ۱۵ میلیون نفر اعلام کرده که از این میان دو بخش صنعت و خدمات هر یک ۱۰ فیصد از نیروی کار را به خود اختصاص داده و ۸۰٪ دیگر آن در بخش زراعت و مالداري مشغول به کار هستند (حسینی، ۱۳۹۳: سایت بی بی سی). این نشان می‌دهد که ۱۲ میلیون نفر در بخش زراعت مشغول به کارند. آنان نقش عمده را در افزایش درآمد سرانه کشور داشته؛ زیرا اغلب این افراد نان‌آور اصلی خانواده خود به حساب می‌آیند.

## ۲-۱. انواع محصولات زراعتی

افغانستان به لحاظ داشتن تنوع آب و هوایی، محیط مناسبی برای کشت و زرع انواع مختلفی از نباتات و گیاهان است. محصولات زراعتی شامل غله‌جات، میوه‌جات، سبزیجات و سایر نباتات است. تولیدات مهم زراعتی عبارت‌اند از:

### ۱-۲-۱. غله‌جات

غله‌جات غالباً به شکل سنتی کشت می‌گردد و عمدتاً نیازهای مصرفی داخلی را تأمین می‌کند. اداره مرکزی احصائیه میزان استفاده از غله‌جات برای مصرف داخلی را در سال ۱۳۹۳ به این شرح ذکر کرده است: ۶۵٪ استفاده به منظور غذا، ۱۱٪ ضایعات، ۵٪ تهیه تخم، ۶٪ خوراکه حیوانات، ۱۳٪ نیاز به واردات (سالنامه آماری، ۱۳۹۳: ۲۷).

**الف) گندم:** از عمده‌ترین نباتات زراعتی در افغانستان، گندم است؛ زیرا رژیم غذایی اکثریت مردم است؛ به طوری که حدود ۵۰ تا ۶۰٪ زمین‌های قابل کشت، به کشت گندم اختصاص دارد (هابیل، ۱۳۹۶: ۳۴). از مجموع زمین‌هایی که به کشت گندم اختصاص یافته، ۵۶٪ گندم آبی و ۴۴٪ گندم للمی است. میزان استفاده از محصول گندم به این شرح است: ۸۱٪ برای تهیه نان مصرفی، ۶٪ برای تهیه بذر و ۱۳٪ ضایعات (هابیل، ۱۳۹۶: ۳۴). کشت گندم برای مصرف داخلی

اختصاص دارد.

ب) **برنج:** در مناطقی کشت می‌گردد که آب فراوان و هوای گرم داشته باشد. در سال ۱۳۶۴ مساحت زیر کشت این محصول ۲۱۴ هزار هکتار و حاصلات آن ۴۸۰ هزار تن بوده است (سالنامه آماری، ۱۳۶۵: ۱۰۵). کشت این محصول عمدتاً ولایات شرقی کشور مانند لغمان، ننگرهار و کنرها و هم‌چنان در ولایات شمالی مانند قندوز، بغلان و تخار صورت می‌گیرد. بازدهی شالی‌زارها برای هر هکتار از ۴۲۰ کیلوگرم تا ۸۴۰ کیلوگرم متغیر است و از هر ۸۰ کیلوگرم شالی در حدود ۵۴ کیلوگرم برنج به‌دست می‌آید (توسلی غرjestانی، ۱۳۹۴: ۲۱۱). در سال‌های اخیر، میزان زمین‌های تحت کشت و تولید برنج کاهش یافته است.

ج) **جواری:** جواری تقریباً در اکثر ولایات افغانستان زرع می‌گردد که بعد از گندم در سبده غذایی بسیاری از خانواده‌ها جا دارد. کشت این محصول زراعتی در گذشته‌ها از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر غله‌جات برخوردار بوده؛ اما در سال‌های اخیر به‌شدت کاهش پیدا کرده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

د) **جو:** کشت جو در گذشته بسیار زیاد بوده و اما در دهه‌های اخیر به‌شدت کاهش پیدا کرده است. از آن به‌عنوان غذا و علوفه حیوانات استفاده می‌شود، اکنون به‌عنوان علوفه حیوانات مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته حبوبات دیگر مثل نخود، عدس، لوبیا، ماش سبز، باقلا نیز کشت می‌گردد. در جدول زیر مساحت زمین‌های زیر کشت غله‌جات عمده و میزان حاصلات آن در هر هکتار نشان داده شده است.

جدول ۱۹-۲: مساحت تحت کشت و حاصل‌دهی غله‌جات عمده از سال ۱۳۹۲-۱۳۹۴

محصول	گندم		برنج		جو		جواری	
	مساحت به هزار هکتار	حاصل هر هکتار به کیلو گرام	مساحت به هزار هکتار	حاصل هر هکتار به کیلو گرام	مساحت به هزار هکتار	حاصل هر هکتار به کیلو گرام	مساحت به هزار هکتار	حاصل هر هکتار به کیلو گرام
سال	۲۵۵۳	۲۰۲۵	۲۰۵	۲۴۹۸	۲۷۸	۱۸۴۹	۱۴۲	۲۱۹۷
۱۳۹۲	۲۶۵۴	۲۰۲۴	۲۲۰	۲۴۴۱	۳۴۲	۱۵۲۱	۸۲۷	۲۴۷۸
۱۳۹۴	۲۱۲۸	۲۱۹۶	۱۶۴	۲۵۰۰	۲۸۲	۱۴۲۹	۱۴۷	۲۱۴۶

منبع: سالنامه احصاییوی ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، اداره مرکزی احصائیه.

## ۲-۲-۱. میوه‌جات

میوه‌جات به صورت خشک و تازه تولید می‌گردد. میوه‌جات خشک شامل کشمش، بادام، چهارمغز، پسته، کشته زردآلو، آلبوخارا، توت خشک، انجیر و غیره می‌شود؛ میوه‌جات تازه شامل انار، انگور، سیب، گلابی، خربوزه، تربوز، زردآلو، آلبالو، گیلان، توت و غیره‌اند (میرهارون، ۱۳۹۳: ۷۴). مهم‌ترین نوع میوه‌جات قرار ذیل است:

**الف) انگور:** انگور به صورت تازه و خشک تولید و مصرف می‌شود. علاوه بر تأمین بازار داخلی، به بازارهای خارجی نیز صادر می‌شود. در سال ۲۰۰۹ م تقریباً ۳٪ از ۸٪ ارزش میوه‌های صادراتی کشور را تشکیل می‌داد که این رقم در مقایسه با سایر کشورها بسیار اندک است؛ زیرا در سال ۲۰۰۹ م، اتحادیه اروپا ۴۱٪؛ چین ۱۲٪؛ آمریکا ۱۰٪ و ترکیه ۷٪ عرضه انگور را در سطح جهان داشته است. سهم ولایات در تولید این محصول به این صورت است که در مناطق مرکزی (کابل، پروان و...) ۳۱٪، مناطق شمال شرقی ۲۲٪، مناطق شمالی ۲۲٪، مناطق جنوبی ۱۴٪ و مناطق غربی ۹٪ تولید می‌گردد (میرهارون، ۱۳۹۳: ۷۴).

**ب) بادام:** بر اساس بانک اطلاعات سازمان غذایی و زراعتی ملل متحد، افغانستان از جمله ۱۰ کشور برتر در تولید بادام در دنیا است و در عین حال این کشور تنها ۲٪ بازار بادام جهانی را در اختیار دارد. در سال ۲۰۰۹ م بادام صادراتی ۲۲٪ ارزش میوه‌های خشک صادراتی کشور را

تشکیل می‌داد. رشد تولید این محصول در طی سال‌های گذشته افزایشی بوده که در سال ۲۰۰۴ م به ۲۵۰٪ (۲,۵ برابر) افزایش یافته بود. تولید این محصول بیش‌تر در مناطق جنوب‌غربی و شمالی متمرکز است که به ترتیب ۴۸٪ و ۳۶٪ مجموع تولیدات سطح کشور را تشکیل می‌دهد و به‌طور عمده در ولایات قندهار و سمنگان تولید می‌شود (توسلی غرjestانی، ۱۳۹۴: ۱۹۷).

**ج) انار:** انار بیش‌تر در نقاط گرمسیر افغانستان تولید می‌گردد. از لحاظ مرغوبیت بعضی از انواع آن، به‌ویژه انار بی‌دانه، بی‌نظیر بوده و از شهرت جهانی برخوردار است. مناطق تولیدی عمده انار ولایت قندهار و اطراف آن به‌خصوص ارغنداب است. در منطقهٔ تگاب مربوط ولایت کاپیسا، ۷۰٪ ساحهٔ قابل زرع برای تولید انار اختصاص داشته و ۹۰٪ آن را انار بی‌دانه تشکیل می‌دهد. در ولایت‌های ننگرهار، سمنگان، وادی هلمند و بعضی مناطق دیگر کشور نیز تولید انار رایج است (تنیوال و امین، ۱۳۸۲: ۴۱).

**د) پسته:** پسته از نظر ارزش غذایی و ارزش بازاری جایگاه ویژه‌ای در بین سایر میوه‌جات خشک دارد. پسته عمدتاً صادر می‌شود و مقدار کمی آن مصرف داخلی دارد. سالانه در حدود ۲ تا ۳ هزار تن پسته در کشور تولید می‌شود که در حدود ۱۳۰۰ تن آن سالانه به خارج صادر می‌شود (تنیوال و امین، ۱۳۸۲: ۴۷). میزان زیاد این محصول از سوی باشندگان و زورمندان محل به‌شکل غیرمعیاری برداشت و از درختان آن در تهیهٔ سوخت استفاده می‌شود.

**هـ) چهارمغز:** تولیدات سالانه‌ای چهارمغز آن از ۱۵۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰ تن بوده و نصف صادرات سالانه‌ای آن از ۸ تا ۱۱ هزار تن در نوسان است. در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ ساحه تحت زرع چهارمغز ۲۳۱۷ هکتار بوده که حاصلات آن به ترتیب ۱۱۱۲۲، ۱۰۴۲۶ و ۳۶۵۰ تن بوده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۴: ۱۶۰).

**و) زردآلو:** زردآلو غالباً در محل تولید و به‌شکل تازه به مصرف می‌رسد و مقدار کم آن به شهرهای دیگر و یا به خارج صادر می‌گردد. اما کشته (برگ) که یکی از میوه‌جات خشک صادراتی را تشکیل می‌دهد، از فرآورده میوهٔ زردآلو می‌باشد. اقسام مختلف زردآلو عبارت‌اند از: قیسی، امیری، سفیدچه، میرمحمدی، قندک، تمسق و شکرپاره قندهاری. در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴، ساحهٔ تحت زرع این محصول به ترتیب ۹۰۰۵ تا ۹۱۱۶ هکتار بوده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۴: ۱۶۰).

**ز) خربوزه و تربوز:** بیش‌تر مناطق افغانستان به‌دلیل داشتن آب و هوای مناسب، مستعد تولید

محصولات بوته‌ای مانند تربوز و خربوزه می‌باشد. در سال ۲۰۰۸ تولید تربوز ۸۰۰ هزار تن برآورد شده بود که این محصول به‌طور عموم در ولایات فراه و فاریاب کشت می‌گردد و درآمد کشور از بابت این محصول به ۱۴۳ میلیون دالر می‌رسد. مناطق تحت کشت این نوع محصول از سال ۲۰۰۰ م به بعد ۳ برابر افزایش یافته و به ۲۰ هزار هکتار رسیده است. محصول تربوز در ولایات مختلف کشت و برداشت می‌گردد. اگر به‌صورت فیصدی نشان دهیم، سهم هر ولایت نسبت به کل محصول تولیدشده عبارت‌اند از: فراه ۳۲٪، فاریاب ۱۷٪، بلخ ۱۱٪، هرات ۱۱٪، بغلان ۷٪، جوزجان ۶٪، سرپل ۴٪، قندوز ۴٪، پروان ۱٪ و سایر مناطق ۱٪. هم‌چنین محصول خربوزه در ولایات مختلف کشور تولید می‌گردد که عبارت‌اند از: ولایات قندوز ۲۴٪، فاریاب ۱۹٪، هرات ۱۴٪، جوزجان ۱۱٪، سرپل ۶٪، بادغیس ۶٪، فراه ۶٪، بلخ ۵٪، غزنی ۵٪، بغلان ۲٪، سمنگان ۲٪ و سایر مناطق ۱٪ (سالنامه آماری، ۱۳۸۸).

### ۳-۲-۱. نباتات طبی و صنعتی

نباتات طبی زیادی بنا بر تنوع آب و هوا و نیز کوهستانی بودن جغرافیای افغانستان وجود دارد. انواع مهم این نباتات شامل شیرین‌بویه، کاکوتی، ذغر، کنجد، زعفران و غیره است.

**الف) زعفران:** در سال‌های اخیر، کشت نبات زعفران در کشور رایج شده است. بسیاری از مناطق افغانستان برای کشت این محصول مناسب است. در سال ۱۹۹۱ م، تعدادی از مهاجرین برگشته از کشور ایران، پیازهای این نبات را با خود آوردند که نقطه آغاز کشت این محصول ولسوالی غوریان ولایت هرات بوده است. آخرین آمار منتشرشده در مورد ساحات کشت‌شده و میزان حاصلات آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۲۰-۲: ساحه، تولید و حاصل‌دهی فی هکتار زعفران در سال ۱۳۹۴

شماره	ولایت	ساحه زمین (به هکتار)	مقدار تولید (به کیلوگرم)	مقدار محصول در هکتار
	مجموع	۱۱۰۸	۴۷۱۸،۳	۴،۳
۱	کابل	۴،۷	۳	۰،۶
۲	کاپیسا	۱،۲	۴،۲	۳،۵
۳	پروان	۵،۱	۱۲،۵	۲،۵
۳	وردک	۶،۶	۲۶،۲	۴



۱.۵	۸	۵.۲	لوگر	۴
۳.۱	۶.۶	۲.۱	ننجرهار	۵
۲.۴	۴	۱.۷	لغمان	۶
۳.۲	۴.۱	۱.۳	بغلان	۷
۲	۵.۶	۲.۸	غزنی	۸
۰.۴	۱.۵	۴	پکتیکا	۹
۶	۱۸	۳	پکتیا	۱۰
۰.۵	۱	۲	خوست	۱۱
۰.۵	۰.۵	۱	کنرھا	۱۲
۰.۱	۰.۵	۵.۳	نورستان	۱۳
۰.۹	۰.۹	۱	تخار	۱۴
۱.۷	۱۵.۷	۹	کنډز	۱۵
۲	۴.۸	۲.۴	سمنگان	۱۶
۲.۵	۱۵	۶	بلخ	۱۷
۲.۹	۱۶.۲	۵.۵	سرپل	۱۸
۲.۳	۷	۳	غور	۱۹
۱.۱	۲	۱.۸	دایکندی	۲۰
۱		۱	زابل	۲۱
۰.۴	تاسیس ۱۳۹۲	۵	کندهار	۲۲
۱.۴	۵	۳.۶	جوزجان	۲۳
۰.۴	۲	۴.۵	فاریاب	۲۴
۰.۲	۱.۲	۵	هلمند	۲۵
۲	۴.۸	۲.۴	بادغیس	۲۶
۴.۵	۴۵۰۰	۱۰۰۰	هرات	۲۷
۴.۱	۴۴	۱۰.۸	فراه	۲۸
۱	۱	۱	نیمروز	۲۹

منبع: سالنامه احصایوی ۱۳۹۴، اداره احصائیة مرکزی، ص ۱۶۸.

(ب) پنبه: کشت پنبه در افغانستان از سال ۱۹۳۰ میلادی به این سو آغاز شد. این محصول در

ولایت‌های بلخ، جوزجان، سرپل، بغلان، کندز، تخار و هلمند کشت می‌شود. آمار منتشرشده در سال ۲۰۱۴ میلادی، تولید ۸۵ هزار تن پنبه را نشان می‌دهد که ۸۰٪ آن به پاکستان به شکل «پنبه‌دانه» صادر می‌شود و ۲۰٪ آن برای استفاده داخلی (ساخت توشک و بالشت) مورد استفاده قرار می‌گیرد. این در حالی است که تنها یک واحد یا مرکز بافت (ریسندگی) در پلخمیری وجود دارد که پارچه تولید می‌کند (روزنامه هشت صبح، ۱۳۹۵/۰۸/۱۰).

**ج) لبلبو:** پس از تأسیس کارخانه قند در بغلان، کشت محصول لبلبو (چغندر) به سرعت افزایش یافت؛ به طوری که در سال ۱۳۱۹ تولید این محصول به ۴۴ هزار تن در سال رسید. در سال ۱۳۴۸ میزان تولید به ۶۸ هزار تن رسید. اما تولیدات این فابریکه به دلیل واردات شکر ارزان در زمان‌های قبل از جنگ داخلی با رکود مواجه گردید و کشت این محصول کاهش یافت (میرهارون، ۱۳۹۳: ۶۹). وزارت زراعت و مالداری تولید این محصول را در طی سه سال اخیر (۱۳۹۲-۱۳۹۴) به ترتیب ۱۴۷۶۵ تن، ۱۱۳۳۰ تن و ۴۴۹۵ تن اعلام کرده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۴: ۱۵۹).

**د) نیشکر:** زراعت نیشکر در ولایات ننگرهار و لغمان کشت می‌گردد. بر اساس آمار وزارت زراعت، ساحه تحت کشت نیشکر در طی سه سال (۱۳۹۲-۱۳۹۴)، ۳۲۱۰ هکتار بوده که حاصلات آن به ترتیب ۸۹۸۸۰، ۷۵۰۸۲ و ۴۶۴۵۴ تن بوده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

#### ۴-۲-۱. دانه‌های روغنی

کاشت، داشت و برداشت گیاهان و دانه‌های روغنی از اهمیت بالایی برخوردار است. زرع و تولید این نباتات در افغانستان محدود است. مشهورترین دانه‌های روغنی عبارت‌اند از: شرشم، زغر، کنجد، آفتاب‌پرست، خردل، خشخاش و بید انجیر که در زمینی به مساحت ۵۰ هزار هکتار در سال ۱۳۵۹ کشت می‌گردید و حاصلات آن ۴۳ هزار تن محاسبه شده بود. از این تولیدات برای تهیه روغن خوراکی، صابون و تیل تنویر استفاده و بقیه آن به خارج صادر می‌شود. این نباتات در ولایات شمالی زرع می‌گردد (میرهارون، ۱۳۹۳: ۶۵).

## ۵-۲-۱. سبزیجات

از سبزیجات عمده که زرع و تولید آن در افغانستان رواج دارد، می‌توان کچالو و پیاز را نام برد. وزارت زراعت ساحه تحت زرع سبزیجات را در طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۹۴) به ترتیب ۸۱۳۲۳، ۸۵۶۶۲ و ۸۹۲۴۶ هکتار ذکر کرده است که سهم کچالو به ترتیب ۲۸.۲٪، ۲۹.۲٪ و ۲۸.۵٪ بوده؛ سهم پیاز به ترتیب ۱۵٪، ۱۷٪ و ۱۶٪ می‌باشد. سهم سایر سبزیجات به ترتیب ۵۷.۲٪، ۵۴.۱٪ و ۵۶٪ بوده است. حاصل تولیدات کچالو در طی این سه سال به ترتیب ۳۰۲۹۸۰، ۳۴۰۲۵۷ و ۳۲۷۵۰۷ تن بوده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

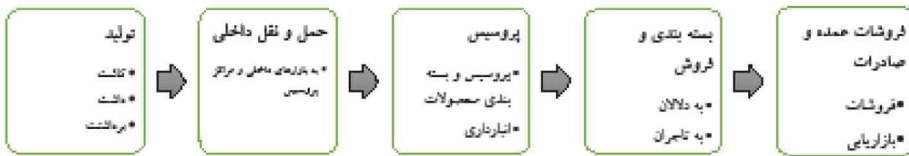
## ۲. رابطه زراعت و اشتغال

در حدود ۷۰ تا ۸۰٪ نیروی کار در بخش زراعت اشتغال دارند. کشاورزی سبب کاهش بیکاری، افزایش بازدهی نیروی کار، تنوع فعالیت‌های نیروی کار و تخصصی شدن کارها می‌گردد. با توجه به مزیت نسبی افغانستان در تولید محصولات زراعتی، می‌توان از طریق زراعت صادرات را نیز گسترش داد که زمینه اشتغال و افزایش فعالیت‌های صنعتی و خدماتی وابسته را در پی دارد. محصولات صادراتی زراعتی نیاز به پروسیس، بسته‌بندی، انبارداری، حمل و نقل، بازاریابی و سایر فعالیت‌ها دارد که در واقع زمینه افزایش اشتغال را در پی دارد. با افزایش صادرات محصولات زراعتی، درآمد زیادی نصیب نیروی کار روستایی می‌شود. طبق گزارش ارزیابی خطرات و آسیب‌پذیری در سال ۲۰۰۸/۲۰۰۷ و انستیتیوت ایکان در سال ۲۰۰۸، زنان در افغانستان حدود ۵۴٪ نیروی کار زراعتی را تشکیل می‌دهد. نقش زنان در تولید و پروسیس انگور، کشمش، بادام و زعفران و مردان در تجارت و صادرات این محصولات مهم است. طبق گزارش بانک جهانی، زراعت اساس اقتصاد افغانستان را تشکیل می‌دهد؛ در صورتی که تولیدات زراعتی افزایش یابد و زمین‌های مزروعی توسعه داده شوند، زراعت می‌تواند حدود ۱،۲٪ رشد اقتصادی سالانه و ایجاد ۱،۲ میلیون شغل جدید را طی یک دهه آینده به بار آورد (بانک جهانی، وزارت زراعت، ۱۳۸۲: ۶۲۳۲۳: ۱۲).

از ۱۳۹۲ به بعد که افغانستان با کاهش کمک‌های جامعه بین‌المللی و فضای پرچالش سیاسی و امنیتی کشور مواجه شد، نرخ بیکاری از مرز ۴۰٪ گذشته است. به هر میزان که فضای کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی در کشور با رکود مواجه باشد، نرخ بیکاری افزایش یافته و در نتیجه میزان

فقر نیز افزایشی خواهد بود (توسلی غرجستانی، ۱۳۹۴: ۷۵). بر اساس آمار دیگر، بین سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ م، نیروی کار مشغول در بخش‌های کشاورزی ۷۸٫۶٪، صنعت ۵٫۷٪ و خدمات ۱۵٫۷٪ بوده است (توسلی غرجستانی، ۱۳۹۴: ۲۵). گزارش ده‌ساله (که از سال ۱۳۸۱-۱۳۹۰) بانک جهانی تعداد افراد مستعد به کار را در افغانستان ۱۵ میلیون نفر اعلام کرده که از این میان دو بخش صنعت و خدمات ۲۰٪ از نیروی کار را به خود اختصاص داده و ۸۰٪ دیگر آن در بخش زراعت و مالداری مشغول به کار هستند (حسینی، ۱۳۹۳: سایت بی بی سی). این نشان می‌دهد که ۱۲ میلیون نفر در بخش زراعت مشغول به کارند.

### چارت ۱-۴: زنجیره ارزش‌افزایی محصولات کشاورزی صادراتی



ملاحظه می‌شود که محصولات زراعتی صادرات محور از مرحله تولید گرفته تا صادرات آن، مستلزم استخدام نیروی کار است که در واقع از یک سو دامنه فعالیت‌های نیروی کار متنوع بوده و از سوی دیگر ارزش افزوده بالایی را برای محصولات کشاورزی سبب می‌گردد.

## ۳. فرصت‌ها و چالش‌های زراعت

در این قسمت، به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های زراعت پرداخته می‌شود. ابتدا فرصت‌ها بررسی می‌گردد:

### ۳-۱. فرصت‌های زراعتی

تنوع اقلیمی در افغانستان از یک سو و منابع فراوان طبیعی و انسانی از جمله فرصت‌های اصلی توسعه زراعت در افغانستان است. همین تنوع اقلیمی می‌تواند زمینه ایجاد اشتغال حدود ۸۰٪ از جمعیت این کشور را فراهم کند. بیش‌تر از نیمی از درآمد سرانه افغانستان از طریق زراعت تأمین می‌شود.

از مجموع مساحت افغانستان (۶۵۲ هزار کیلومتر مربع)، فقط ۱۲٪ زمین (۸ میلیون هکتار) قابل کشت است و ۴٪ از این زمین نیز تحت آبیاری است. ۴۶٪ نیز چراگاه و ۳٪ نیز تحت پوشش جنگلات قرار دارد. از نظر جغرافیایی در حدود ۷۵٪ از زمین‌های قابل کشت افغانستان در سه حوزه زراعتی از هشت حوزه زراعتی این کشور قرار دارد که شمال، شمال‌شرق و جنوب است. از تمام مناطق قابل کشت به دلیل کمبود آب، تنها حدود نصف آن سالانه تحت کشت قرار می‌گیرند.

با توجه به تأثیر عوامل و شرایط طبیعی و اجتماعی کشور در امر رشد و توسعه اقتصادی، می‌توان گفت که افغانستان از لحاظ ساختمان و اشکال اراضی، منابع زیرزمینی، منابع سطحی (منابع نباتی و حیوانی)، سیستم و منابع جریان آب در رودخانه‌ها، آب و هوای مساعد و دیگر خصوصیات، از جمله وجود نیروی کار سالم و جوان برای توسعه کشاورزی و رشد صنایع عصری و مدرن، امکانات و فرصت‌های خوبی مساعد است؛ اما نا بسامانی‌های سیاسی و اجتماعی در طی دهه‌های اخیر، نه تنها سبب گردید که از این امکانات و فرصت‌ها استفاده و بهره‌برداری صورت بگیرد؛ بلکه سبب تخریب زیربنای اساسی اقتصادی و اجتماعی موجود در کشور نیز گردید (میرهارون، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

توسعه زراعت در افغانستان با مشکلات فراوانی روبه‌رو است؛ ولی این چالش‌ها خود به‌عنوان یکی از فرصت‌ها برای توسعه زراعت افغانستان به حساب می‌آید. تنوع اقلیمی در افغانستان از یک‌سو و منابع فراوان طبیعی و انسانی که تا کنون مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند، از جمله فرصت‌های اصلی توسعه زراعت در افغانستان به‌شمار می‌رود. علی‌رغم مشکلات و چالش‌های متعددی موجود، فرصت‌های بسیار زیادی برای توسعه و رشد زراعت در افغانستان وجود دارد که اگر به آن‌ها توجه کافی شود، در سال‌های آینده می‌توان به زراعت به‌عنوان موتور محرکه اقتصاد و عامل تأمین مایحتاج استراتژیک این کشور تکیه کرد.

**الف) وجود آب و خاک زراعی فراوان:** یکی از بهترین فرصت‌ها بخش زراعت است که می‌تواند در آینده مورد بهره‌برداری قرار گرفته و ضمن اشتغال قشر وسیعی از جمعیت این کشور، باعث افزایش تولیدات زراعی و بهبود اقتصاد ملی گردد. همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد، هم آب فراوان و هم خاک غنی و بلااستفاده زیاد است. فقط کافی است این دو منبع عظیم را به یک دیگر

برسانیم که عایدات زیادی نصیب کشور می‌گردد.

**ب) وجود کشاورزان سخت‌کوش و پرتلاش:** یکی از مهم‌ترین فرصت‌های تحول و توسعه در افغانستان، وجود دهقانان پرتلاش است که اگر به دانش و مهارت آنان افزوده شود، توان تولید زراعتی چندبرابر خواهد شد. آموزش زراعت به جوانان روستایی بهترین روش برای واردکردن دانش و مهارت به عرصه زراعت است که از این طریق می‌توان در کشور اشتغال ایجاد کرد و جلو سیل مهاجرت‌های روستائیان به شهر و نیز به خارج از کشور را گرفت و حتی با صادرات محصولات زراعتی، در تراز تجاری بهبودی حاصل می‌گردد.

**ج) تنوع شدید اقلیمی در افغانستان:** یکی از اصلی‌ترین پتانسیل‌ها و فرصت‌های توسعه زراعت در این کشور، تعدد و تنوع اقلیمی است. این تنوع اقلیمی باعث می‌شود افغانستان توان تولید دامنه وسیعی از محصولات گرمسیری و سردسیری را داشته باشد. این، خود، هم ریسک تولید را کاهش می‌دهد و هم بازاریابی آن را ساده‌تر می‌کند.

**د) بازارهای بزرگ مصرف در همسایگی افغانستان:** در دنیای کنونی حرف اصلی در اقتصاد را «بازار» می‌زند. همسایگی افغانستان با کشورهای هم‌چون هند، ایران، آسیای مرکزی، چین، کشورهای خلیج فارس و پاکستان یک فرصت بسیار نادر است. این کشورها هم از جمعیت زیادی برخوردار هستند و هم قدرت خرید اقتصادی خوبی را دارا هستند. ارتباط خوب افغانستان با کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز می‌تواند قدرت رقابت این کشور را در بازارهای فرامنطقه‌ای افزایش دهد. برخورداری از یک سیستم حمل و نقل و یک شبکه بسته‌بندی و کنترل کیفیت که بتواند معیارهای بازارهای جهانی مصرف را تضمین کند، از اصلی‌ترین اولویت‌ها در این مورد است.

## ۲-۳. چالش‌های عمده سد راه توسعه کشاورزی در افغانستان

موانع توسعه زراعت و چالش‌های عمده در بخش زراعت افغانستان را می‌توان به دو دسته عمومی تبدیل کرد: (۱) گروهی از این چالش‌ها غیرقابل کنترل و تعدیل‌اند؛ (۲) گروه دیگر را می‌توان با اقدامات مدیریتی بهبود داده و کنترل کرد. اصلی‌ترین عامل غیرقابل کنترل در فرآیند توسعه زراعت افغانستان، حوادث طبیعی و انسانی‌اند. خشک‌سالی‌های دوره‌ای و آخرین آن که

اواخر دهه ۹۰ باعث کاهش فزاینده انواع محصولات زراعتی و قحطی شد، بهترین مثال از این گروه هاست.

چالش‌های قابل مدیریت در بخش زراعت فراوانند که باعث کاهش تولید و افزایش ضایعات می‌شوند. ضایعات بعد از برداشت محصول تا ۴۰٪ از تولیدات زراعت را از دسترس مصرف‌کنندگان خارج می‌کند.

سه دهه تنش و خشک‌سالی مزمن، زراعت افغانستان را متأثر کرده و مردم این کشور را با فاجعه‌های طبیعی و فقر روبه‌رو کرد. با وجود رشد اقتصادی سال‌های اخیر، گزارش‌ها نشان می‌دهد که در حدود نصف جمعیت افغانستان با فقر زندگی می‌کنند. وجود جنگ‌ها و بحران‌های سیاسی در کشور باعث شد تا زیرساخت‌های اصلی آبیاری در این کشور نابود، جاده‌ها و پل‌ها نیز به دلیل عدم مراقبت لازم از آن‌ها غیرقابل استفاده شدند. خدمات عمومی و سیستم مالیاتی نیز در این کشور از بین رفته و این کشور را کاملاً به کمک‌های جامعه جهانی وابسته کرد. چالش‌های ذکر شده باعث شد که وضعیت صحت حیوانی در این کشور به شدت بد شود و انواع بیماری‌های انگلی در سراسر کشور گسترش یابد.

اکنون که زراعت افغانستان در حال گذار از زراعت معیشتی به زراعت متمایل به بازار است، چالش‌هایی قابل کنترل اصلی‌ترین حوزه مدیریت توسعه زراعت به‌شمار می‌رود که باید بیش‌ترین تأکید بر این دسته عوامل شود. چالش‌های قابل کنترل و اقدامات برای برخورد با آن‌ها را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد. (۱) چالش‌ها در بخش سخت‌افزاری؛ (۲) چالش‌های نرم‌افزاری.

### ۳-۲-۱. چالش‌های موجود در بخش سخت‌افزاری

#### ۳-۲-۱-۱. زیرساخت‌های زراعت

نقش دولت‌ها در توسعه زراعت بسیار کلیدی است. بسیاری از چالش‌ها از مأموریت‌های دولت و حکومت مرکزی در قبال زارعین و بخش زراعت به‌شمار می‌رود. بسیاری از این چالش‌ها مرتبط به توسعه عمومی کشور است و تا زمانی که این زیرساخت‌ها استقرار نیابد، امکان توسعه زراعت وجود نخواهد داشت. فقدان زیرساخت‌های زیر کشور را دچار مشکل

اساسی نموده است که باید رفع گردند:

**الف) جاده‌ها:** برای توسعهٔ زراعت، جاده‌ها نقش اصلی را در ایجاد تسهیلات برای انتقال مواد اولیهٔ زراعتی و محصولات تولیدشده بازی می‌کند. تلاش‌هایی در افغانستان وجود دارد که جاده‌های کنونی بازسازی شده و جاده‌های جدید نیز احداث شود. بدون وجود شبکهٔ راه‌ها، دسترسی به بازار میسر نخواهد بود و عملاً گذار از زراعت معیشتی به بازار مدرن امکان‌پذیر نیست. بر اساس گزارش سال ۲۰۰۸ صندوق بین‌المللی پول، ۲ هزار کیلومتر از جادهٔ حلقه‌ای افغانستان بازسازی شده که ۵۹٪ از این مجموعه، جاده‌های این کشور را تشکیل می‌دهد. در مناطق روستایی نیز تلاش‌هایی از طریق برنامهٔ همبستگی ملی و برنامهٔ عاجل کاریابی به منظور بازسازی راه‌های روستایی، صورت گرفته است؛ اما پراکندگی مزارع و تعدد بازارهای محصولات زراعی نیاز به شبکهٔ گسترده‌ای از راه‌های باکیفیت دارد که بتواند در اسرع وقت محصولات را به دست مصرف‌کنندگان محلی، منطقه‌ای و خارجی برساند (عمادی، ۱۳۹۲: زراعت موتور محرکهٔ اقتصاد افغانستان، سایت بی بی سی).

دو عامل اصلی، توسعهٔ جاده‌ها و به‌خصوص جاده‌های روستایی را با مشکل روبه‌رو کرده: کوهستانی بودن افغانستان و دیگر این‌که جاده‌ها در دوران جنگ‌ها ویران شده‌اند. از حدود ۴۰ هزار روستایی که در سراسر افغانستان وجود دارد، در بیش‌تر از ۴۰٪ آن‌ها جاده‌ها خاکی بوده که همواره در تمام فصل سال باز هستند. حدود ۳۸٪ از روستا به جاده‌هایی دسترسی دارند که در فصل زمستان بسته هستند. تنها ۲۰٪ روستاها به جاده‌های درجه‌یک دسترسی دارند. با توجه به این، می‌توان گفت که بیش‌تر از نصف جمعیت افغانستان به‌صورت دائم به جاده‌ها دسترسی ندارند. دسترسی مردم روستایی به جاده‌های اولیه در بعضی از ولایت‌ها همانند بدخشان ۵۶٪، کنر ۴۶٪ و پنجشیر ۴۵٪ است؛ ولی در ولایت‌های غیرکوهستانی مثل لوگر این میزان به ۷۷٪، کندوز ۶۸٪، کابل ۶۸٪ و پکتیکا ۶۴٪ می‌رسد (عمادی، ۱۳۹۲: سایت بی بی سی).

**ب) بازار:** زراعت تجارتي افغانستان باغداری و مالداري است که محصولات آن به بازارهای محلی و خارجی صادر می‌شود. در دوران جنگ داخلی، گرایش زراعت در افغانستان به سمت زراعت معیشتی و تولید مایحتاج اولیهٔ مردم محلی و روستاییان افزایش یافت و به همین دلیل



تولیدات زراعتی نسبت به تولیدات باغی و دامداری افزایش چشم‌گیری یافته است.

اما بعد از سقوط طالبان باغبانی و دامداری توسعه بیش‌تری یافته است. سرمایه‌گذاری در بخش باغداری باعث شده که از سال ۲۰۰۱ تا کنون، محصولات باغداری افزایش یابد و آمار تعداد دام‌ها نیز بلند رفته است. توسعه شهرها و بازار مصرف شهری و امکان صادرات محصولات باغی نیز روزبه‌روز در حال افزایش است.

محصولات مالداري و باغداری در افغانستان از پتانسیل و ظرفیت لازم برای رشد بیش‌تر برخوردار است؛ ولی این فرصت نیز بدون سرمایه‌گذاری در زمینه زیرساخت‌های بازار و توجه به تدوین قوانین و مقررات نمی‌تواند میسر باشد. نگرانی اصلی ضعف عمده در زیرساخت‌ها و شکننده‌بودن بازار این تولیدات است. نبود ساختارهای لازم برای جمع‌آوری، نگهداری، بسته‌بندی و تسهیلات در روند تولید، به‌خصوص فراهم‌ساختن تسهیلات قابل قبول برای مراحل بعد از برداشت و فن‌آوری روند تولید و معیارهای تولید، نیز از چالش‌های دیگر فراروی این محصولات است. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز در این زمینه به دلیل خطرات، نبود امنیت و دسترسی محدود به منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساخت‌ها و به‌خصوص در بخش زراعت تجارتي بر اساس گزارش سال ۲۰۰۸ بانک توسعه آسیایی محدود می‌باشد (عمادی، ۱۳۹۲: سایت بی بی سی).

### بنیاد اندیشه

**ج) آب و خاک:** آب و خاک اصلی‌ترین منابع فعالیت‌های زراعت‌اند. پراکندگی زمین‌های زراعتی و غیرقابل پیش‌بینی بودن منابع آبی، اصلی‌ترین مشکلات توسعه زراعت در افغانستان است. افغانستان کشور هموار و نیمه‌هموار، کوهستانی و نیمه‌کوهستانی است. از حدود ۴۰ هزار روستا، حدود ۱۸ هزار روستا در مناطق کوهستانی قرار دارند. حدود ۱۲ هزار روستا در مناطق هموار و بقیه روستاها نیز در مناطق نیمه‌هموار قرار دارند. نوع زمین نیز در ولایت‌های مختلف متفاوت‌اند. ولایت نورستان ۹۷٪ کوهستانی، دایکندی ۹۰٪ و ولایت هرات ۵۳٪ کوهستانی است (عمادی، ۱۳۹۲: سایت بی بی سی).

پراکندگی زمین‌های زراعتی و غیرقابل پیش‌بینی بودن منابع آبی، اصلی‌ترین مشکلات توسعه زراعت در افغانستان است. نتیجه این ناهموازی‌ها باعث شده که اندازه زمین‌های زراعتی نیز کوچک بوده و قابلیت لازم برای گسترش مناطق تحت کشتی که در اختیار خانواده‌ها قرار دارند،

وجود نداشته باشد. اغلب این زمین‌داران قادر به تولید نیازهای اولیه غذایی خود از این زمین‌ها نبوده و وابسته به فعالیت به بیرون از مزرعه به‌منظور تهیه مواد اولیه هستند. بر اساس گزارش ارزیابی خطرات ملی (NRVA)، در حدود دو سوم از جامعه روستایی زمین‌دار در افغانستان دارای زمین‌های با قطعات کوچک هستند و ۵۶٪ دیگر یا خود زمین‌دارند و یا بر زمین دیگران کار می‌کنند. در حدود ۶،۵٪ از زمین‌داران روی زمین خود کار نمی‌کنند و ۴٪ از دهاقین بر روی زمین‌هایی کار می‌کنند که مالکیت خود آنان نیست. ۳۳٪ از جامعه روستایی نه خود صاحب زمین هستند و نه بر روی زمین دیگری کار می‌کنند (اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۱-۱۳۸۷: ۷۷). اشاره به این ساختار به این دلیل بود که کوچک‌بودن قطعات زمین می‌تواند تنگناهایی را برای مؤثریت آبیاری ایجاد و مانع عمده در راستای عملی‌شدن زراعت مدرن فارمی در افغانستان باشد و به‌خصوص باعث مشکلاتی در راستای مدیریت آب در مزرعه شود.

## ۲-۱-۲-۳. حمایت مالی و قرضه

توسعه زراعتی نیازمند سرمایه است تا از این طریق فن‌آوری مدرن و منابع سرمایه‌ای بیش‌تر به‌کار گرفته شود. این امر نیازمند نهادهای مالی است که باید به کمک کشاورزان بیایند. در شرایط کنونی، اصلی‌ترین نهادهای تأمین منابع مالی، نهادهای سنتی و محلی‌اند که به‌دلیل ریسک فعالیت‌های زراعی سود زیادی را بر قرضه‌های خود اعمال می‌کنند. با توجه به عدم علاقه بانک‌ها و شکست نهادهای مالی در این کشور برای سرمایه‌گذاری در عرصه زراعت، گزینه‌های دیگری نیز به‌منظور حمایت از بازار زراعتی نیاز است؛ زیرا رشد زراعت باعث افزایش مفاد و رشد اقتصادی خواهد شد. برای حل این مشکل، سرمایه‌گذاری مختلط نیز می‌تواند یکی از گزینه‌ها باشد.

نهادهای مدرن مالی در افغانستان تا کنون نوپا هستند و نیاز است تا نهادهای قرضه‌دهی بر اساس مشارکت در تولید و یا سهامی در این کشور قد علم کند. نظام بانکی نیز به تجارت و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت علاقه دارند. گرچه که در سال‌های اخیر نهادهای قرضه‌دهنده همانند صندوق توسعه زراعت (ADF) آغاز به کار کرده است؛ ولی میزان نیاز زارعین بسیار بیش‌تر از توان صندوق است و از نظر جغرافیایی نیز سطح پوشش این شبکه نسبت به زارعین افغانستان محدود است.

با توجه به عدم علاقه بانک‌ها و شکست نهادهای مالی در این کشور برای سرمایه‌گذاری در عرصه زراعت، گزینه‌های دیگری نیز به‌منظور حمایت از بازار زراعتی نیاز است؛ زیرا رشد زراعت باعث افزایش مفاد و رشد اقتصادی خواهد شد. برای حل این مشکل، سرمایه‌گذاری مختلط نیز می‌تواند یکی از گزینه‌ها باشد.

### ۳-۱-۲-۳. فناوری زراعتی

یکی از اصلی‌ترین روش‌های بهبود تولیدات زراعتی در جهان، تحول فنون زراعتی در مراحل کاشت، داشت و برداشت محصولات است. فنون زراعتی زارعین در افغانستان معیشتی است و نسبت به جهان و دیگر کشورها بسیار ساده و سنتی است. به‌منظور بهبود سیستم‌های زراعتی می‌بایست اقدام جدی و عاجل به عمل آید تا فن‌آوری مناسب در همه سطوح و بخش‌های زراعت همه‌گیر شود. متأسفانه به‌دلیل جنگ‌های متوالی، هنوز تخم‌های بذری مناسب بسیاری از محصولات اصلی زراعی در افغانستان در دسترس زارعین نبوده و از انواع قدیمی که بازده بسیار پایین دارند، استفاده می‌شود. به‌دلیل هزینه‌های زیاد، بسیاری از زارعین هنوز در کاشت محصولات خود از کودهای کیمیاوی استفاده نمی‌کنند و آن‌هایی نیز که استفاده می‌کنند، غالباً بر اساس نیاز خاک و کمبودها اقدام به کار نمی‌کنند. به‌دلیل نبود سیستم کنترل و کیفیت مناسب، بسیاری از سموم و علف‌کش‌ها از مؤثریت لازم برخوردار نبوده و در زمان مناسب نیز به‌دست زارعین نمی‌رسد.

## بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

### ۳-۲-۲. چالش‌های نرم‌افزاری

#### ۳-۲-۲-۱. ضعف دانش، مهارت و معلومات فنی دهاقین

زارعین افغانستان علی‌رغم پشت‌کار بسیار زیاد، توان فیزیکی برای مقابله با سختی‌های طبیعی ندارند و دلیل آن سواد بسیار پایین و مهارت علمی محدود این افراد است. از جنبه نرم‌افزاری سواد و مهارت‌های فنی زارعین در هرکشور نقش اساسی و کلیدی در موفقیت زراعت در آن کشور بازی می‌کند. این موضوع به دو دلیل حائز اهمیت است. از یک‌سو، سواد خواندن و نوشتن مهارت ارتباطی زارعین را برای دستیابی به دانش و مهارت‌های زراعی افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، قدرت مدیریت مزرعه را در زارعین بهبود می‌دهد.

نرخ بالای بی‌سوادی، به‌خصوص در جوامع روستایی، یکی از دلایل اصلی پایین‌بودن مولدات کلیه محصولات زراعی در این کشور به‌حساب می‌آید. فقط تعداد اندکی از دهاقین به فن‌آوری اطلاعاتی دسترسی دارند. مطالعه نشان می‌دهد که ۵٪ از دهاقین در افغانستان با کارمندان ترویج زراعی تماس داشته و از آن‌ها اطلاعات و معلومات فنی دریافت کرده‌اند و کم‌تر از ۵٪ دام‌های خود را در برابر بیماری‌ها واکسن کرده‌اند. ۱۳٪ از این دامداران خدمات و اطلاعاتی را از دامپزشکان دریافت کرده‌اند (عمادی، ۱۳۹۲: سایت بی بی سی).

## ۲-۲-۲-۳. فقدان نهادها و تشکل‌های اجتماعی در بین دهاقین

یکی از عوامل اصلی رشد زراعت در کشورهای جهان، همانا سازمان‌دهی و تشکل زارعین آن کشور به‌حساب می‌آید. این تشکل‌ها هم آن‌ها را در تعامل با دولت و کسب منافع صنفی‌شان حفظ و حمایت می‌کنند و هم آن‌ها را در دستیابی به فن‌آوری‌های نوین و دانش و معلومات جدید یاری می‌رسانند.

ایجاد شبکه در بین کشاورزان، یکی از روش‌های اصولی به‌منظور تقویت آن‌ها و واگذاری امور آن‌ها به‌دست آنان است. متأسفانه، کوپراتیف‌ها پس از نیم‌قرن که از ایجادشان می‌گذرد، هنوز نتوانسته‌اند نقش فعال و مستقل در سازمان‌دهی زارعین در افغانستان بر عهده بگیرند و تشکل جدید و توانمندی هم تا کنون نتوانسته ایجاد شود. هرچند در حدود ۸۰٪ از تصامیم در محلات بر اساس شوراهای محل گرفته می‌شود؛ اما در بخش زراعت هیچ ارگان مهم سرا سری برای دهاقین وجود ندارد و علاوه بر آن، نهادهای زیادی وجود دارند که تلاش می‌کنند به‌صورت انفرادی با دهاقین کار کنند؛ ولی دهاقین نمی‌توانند صدای خود را از این طریق به گوش مقامات برسانند.

نهادهای ضعیف دهقانی در افغانستان باعث شده تا آنان در زمینه آبیاری، مسائل مالی، سیاست‌های زراعتی، خدمات زراعت و سایر خدمات که در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، نقش نداشته باشند.

در این بخش‌ها، چالش‌های زیادی وجود دارد. اطلاعات لازم در باره زراعت و چالش‌ها می‌تواند یک تصویر شفاف را از آنچه زراعت افغانستان در پیش رو دارد، ارائه کند. سیاست‌گذاران باید نقش لازم را در برنامه‌ریزی برای تسلط به این چالش‌ها که دهقانان افغان با آن مواجه هستند،

انجام دهند.

### ۳-۲-۲-۳. کمبود معلومات و آمار از وضعیت زارعین و زراعت

اطلاع داشتن از وضعیت زارعین و مشکلات آنها از مهم ترین نکات است که هر دولت باید در روند توسعه زراعت به آن دسترسی داشته باشد. این مهم، بدون برخورداری از یک نظام آماری دقیق و در زمان لازم امکان پذیر نیست. معلومات از وضعیت تولید و بازار محصولات زراعتی و همچنین اطلاعات دقیق از پیش بینی از تحولات طبیعی و بلایای آسمانی، اصلی ترین اطلاعاتی است که دولت ها می توانند در دسترس زارعین و تشکل های زراعی قرار دهند تا از این طریق، ریسک تولید کاهش داده شود و خدمات مورد نیاز آنان را در زمان و مکان مناسب در اختیار آنان قرار دهند.

متأسفانه علی رغم تلاش های فراوانی که تا کنون در این زمینه انجام شده است، یک نظام آماری دقیق و به هنگام که وضعیت زراعت و زارعین را در طول سال زراعتی منعکس کرده تا بر اساس آن دولت به کمک کشاورزان پردازد، هنوز ایجاد نشده است.

قرار گزارش همایش ملی اقتصادی افغانستان در سال ۱۳۹۲، مشکلات عمده بخش زراعت به این شرح آمده است: کمبود آب قابل دسترس، سیستم آبیاری سنتی و غیر مؤثر، کم رنگ بودن نقش کوپراتیف های زراعتی، کمبود زمین های زراعتی، سرمایه گذاری ناچیز در بخش صنعتی سازی زراعت، کمبود سردخانه ها و گدام ها، نبود سیستم مؤثر و مطلوب بازاریابی برای محصولات، عدم توجه جدی به بهترساختن زنجیره تولید به منظور افزایش کیفیت تولیدات زراعتی، نبود برنامه های مؤثر و مطلوب جهت رشد و رقابتی سازی محصولات صادراتی کشور، کمبود افراد مسلکی و حرفه ای در بخش زراعت و قطع بی رویه جنگلات و قاچاق آن به خارج از کشور (مؤسسه حرکت و اتاق تجارت و صنایع، ۱۳۹۲: همایش ملی).

### جمع بندی و نتیجه گیری

جایگاه زراعت در اقتصاد افغانستان بر اساس مقایسه این بخش با دیگر بخش ها، از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به ظرفیت های موجود طبیعی و انسانی، این بخش کلیدی ترین بخش تولیدی برای رشد اقتصادی محسوب می گردد. بخش کشاورزی از جایگاه مهم در

اشتغال، تولید ناخالص داخلی و صادرات برخوردار بوده و به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی، از رشد و توسعه لازم برخوردار نبوده است.

با مطالعه انواع نباتات کشاورزی در افغانستان، نتیجه می‌شود که افغانستان بنا برداشتن اقلیم مساعد و تنوع آب و هوایی، برای کشت انواع مختلف نباتات و گیاهان مناسب است و ظرفیت خوبی برای کشت و تولید آن دسته از محصولات دانسته می‌شود که از مزیت نسبی در تولید و صادرات برخوردارند. در برابر، زراعت افغانستان چالش‌های زیادی از قبیل چالش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری وجود دارد که این چالش در صورت مدیریت درست آن، یک فرصت اساسی در امر شکوفایی اقتصاد کشور محسوب می‌گردد.

## منابع

۱. احمدی، میرهارون (۱۳۹۳)، جغرافیای اقتصادی افغانستان، کابل، چاپ دوم.
۲. اداره مرکزی احصائیه، ارزیابی ملی خطرات و آسیب‌پذیری، ۱۳۸۷-۱۳۹۱.
۳. اداره مرکزی احصائیه، افغانستان در آیینۀ ارقام، ۱۳۹۳.
۴. اداره مرکزی احصائیه، سالنامه آماری ۱۳۶۵.
۵. اداره مرکزی احصائیه، سالنامه آماری ۱۳۸۸.
۶. اداره مرکزی احصائیه، سالنامه آماری ۱۳۹۴.
۷. بانک جهانی و وزارت زراعت، گزارش شماره ۶۲۳۲۳، درک جندر در زنجیره ارزش زراعتی افغانستان.
۸. بانک جهانی، گزارش اقتصادی افغانستان، عقرب ۱۳۹۵.
۹. تنیوال، محمدظریف و حمیدالله امین (۱۳۸۲)، جغرافیای اقتصادی افغانستان، پیشاور، نشر کور.
۱۰. توسلی غرجستانی، محمد (۱۳۹۴)، اقتصاد افغانستان؛ ظرفیت‌ها، چالش‌ها و راه‌کارها، کابل، انتشارات فرهنگ، چاپ ۱.
۱۱. حسینی، علی، جایگاه زراعت در اقتصاد افغانستان، [www.bbc.com/afghanistan/1393/6/11](http://www.bbc.com/afghanistan/1393/6/11)
۱۲. روزنامه ۸ صبح، حمایت فرانسه از احیای دوباره صنعت تولید پنبه افغانستان، <http://8.1395/08/10>، ۸ صبح، [www.8.am.af](http://www.8.am.af)
۱۳. عمادی، محمدحسین (معین پیشین وزارت زراعت افغانستان)، زراعت موتور محرکه اقتصاد و عامل مایحتاج افغانستان، ۲۸ شهریور ۱۳۹۲، [www.bbc.com/afghanistan](http://www.bbc.com/afghanistan)
۱۴. مؤسسه حرکت و اتاق تجارت و صنایع افغانستان، همایش ملی اقتصادی، پیشنهاد در پالیسی اقتصادی، ۸ حوت ۱۳۹۲.
۱۵. هابیل، سید محسن (۱۳۹۶)، اقتصاد افغانستان، کابل، انتشارات جهان اسلام، چاپ ۱.